

گزارش «ایران» از مسائل و مشکلات زنانی که نان آور خانواده هستند

آمار زنان سرپرست خانوار افزایشی است



گزارش خبری

مهسا قوی‌قلب
خبرنگار

زنان سرپرست خانوار از جمله اقشاری هستند که به واسطه جبر روزگار باید مسئولیت‌های خود و خانواده را به دوش بکشند، حالا بر اساس آمارهای موجود و ارائه کارشناسی‌های تخصصی توسط فعالان این حوزه، هر ساله بر تعداد ایشان افزوده می‌شود. لاجرم سیاست‌گذاری‌ها نیز در این خصوص

باید حداقل سالی یک بار مورد بازنگری جدی قرار گیرد. عنوان «سرپرست خانوار» زمانی به کار برده می‌شود که یکی از اعضای خانوار در خانواده با این مسئولیت شناخته شود. به رسم معمول در صورتی که اعضای خانوار قادر به تعیین سرپرست خود نباشند، مسن‌ترین عضو خانوار به عنوان سرپرست خانوار شناخته می‌شود. این در حالی است که به طور غالب در خانواده‌ها، پدر به عنوان سرپرست خانوار شناخته می‌شود، اما این دسته از زنان، از جمله کارآفرینان و معلولیت و هر دایره دیگری که پدر نتواند تأمین و امرار معاش را برعهده بگیرد و مسئولیت برعهده زن یا دختر خانواده واکذار می‌شود، دیگر آن زن، «سرپرست خانواده» خواهد شد. غالب شغل‌هایی که این زنان با آن روزگار سپری می‌کنند، نظیر رانندگی در اسنپ، بساط کردن لباس و وسایل خانگی در کوچه و خیابان‌ها تا دستفروشی وسایل آرایشی و لباس در واگن‌های مترو و... است. در واقع، نداشتن تخصص کافی برای انجام فعالیت‌های اقتصادی از یک سو و نبود فرصت‌های اشتغال برای این دسته از زنان، آن هم در شرایطی که روزی‌به‌روز برآمار این افراد اضافه می‌شود، اتفاق ناخوشایندی است.

جامعه را جهت تأمین معاش خانواده فراهم می‌کند. بر این اساس نیاز است تا اقدامات دولتی به منظور توانمندسازی و خروج از چرخه فقر و نابسامانی‌های اجتماعی برای زنان فراهم شود. او در ادامه اضافه می‌کند: در واقعیت و مطابق با الگوهای فرهنگی خاص جامعه و نقشی که زنان سرپرست خانوار به عنوان تأمین‌کنندگان معیشت خانواده به عهده می‌گیرند، این افراد با مشکلات فراوان و جدی روبه‌رو می‌شوند. بر اساس آخرین داده‌های سرشماری مربوط به سال ۹۵ تعداد کل خانوارهای زن سرپرست در کشور، ۳ میلیون و ۶۵ هزار خانوار است که ۱۲٫۶ درصد از کل خانوارهای کشور را تشکیل می‌دهد. این نسبت در سرشماری سال ۹۰ حدوداً ۱۲٫۱ درصد بوده است. در واقع تعداد خانوارهای زن سرپرست نسبت به کل خانوارها در ۵ سال حدود ۰٫۵ درصد رشد کرده است. بیشترین فراوانی «نان سرپرست خانوار» به ترتیب در شهرهای تهران، خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان، فارس و... گزارش شده



نسبت زنان خودسرپرست به زنان سرپرست خانوار در سال ۹۰ معادل ۳۷٫۳ درصد و در سال ۹۸ به میزان ۴۱٫۵ درصد بوده که بر این اساس می‌توان بیان کرد، طی دوره ۸ ساله تعداد زنان خودسرپرست در حال افزایش بوده است؛ به نحوی که طی این دوره تعداد زنان خودسرپرست حدود ۴۱٫۴ درصد افزایش داشته است (به عبارت دیگر تعداد زنان خودسرپرست در مدت مذکور با رشد ۱٫۴ درصدی همراه بوده است.)

است. با توجه به شیب رشد این گروه از زنان در یک بازه زمانی ۵ ساله و با توجه به گذشت ۶ سال از آخرین سرشماری سال ۱۳۹۵ تاکنون به طور مسلم تعداد زنان سرپرست خانوار به واسطه تصادفات و مرگ‌ومیرهای ناشی از تصادفات شوهرانشان، مرگ‌ومیرهای ناشی از بیماری‌ها و کرونا، بیکاری، طلاق و... افزایش یافته است. بنابراین اولین و جدی‌ترین مشکل و چالشی که زنان سرپرست خانوار پس از حضور در میدان کار و شغل با آن روبه‌رو می‌شوند، عدم دسترسی به منابع اقتصادی و اجتماعی عادلانه است. سهم اندک زنان در عرصه کار نسبت به مردان، موجب می‌شود تا آنان به مشاغل سطح پایین دسترسی پیدا کنند؛ مشاغلی که در آنها هیچگونه ضمانت شغلی و احساس امنیت وجود ندارد و این زنان بطور ناخواسته در چرخه باطلی از کار و بیکاری قرار می‌گیرند. با توجه به اینکه درصد بالایی از این زنان از تحصیلات بالا و مهارت خاصی برخوردار نیستند و از سوی خانواده نیز حمایت نمی‌شوند، میزان آسیب‌پذیری ایشان افزایش می‌یابد. لذا توانمند کردن این زنان باید در اولویت برنامه‌ها و سیاست‌های برنامه‌ریزان قرار گیرد.

زنان سرپرست خانوار را می‌توان در سه گروه جای داد: زنان سرپرست خانوار مرتبط با نهادهای حمایتی، زنان سرپرست خانوار نیازمند و فاقد ارتباط با نهادهای حمایتی و زنان سرپرست خانوار شاغل. این جامعه‌شناس با اشاره به «قانون حمایت از زنان و کودکان بی سرپرست» و همچنین «قانون جامع رفاه و تأمین اجتماعی» توضیح می‌دهد: دولت به عنوان متولی رفاه اجتماعی وظیفه دارد، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری را در حوزه‌های رفاهی، حمایتی و بیمه‌ای برای رفاه عموم پویز زنان سرپرست خانوار انجام دهد. در حال حاضر ۲ نهاد کمیته امداد امام و سازمان بهزیستی به عنوان زیرمجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از جمله نهادهای اصلی برای حمایت از این قشر جامعه هستند که در کنار فعالیت‌های خود نقش مهمی در جهت توانمندسازی زنان سرپرست خانوار دارند. علاوه بر این دو نهاد نامبرده، شهرداری نیز در سال‌های اخیر طرح‌هایی را برای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار مطرح کرده است. برنامه «بهزیستی» برای زنان سرپرست خانوار شامل پرداخت کمک هزینه آموزشی از قبیل فنی و حرفه‌ای، تحصیلی (محصّلین، دانشجویان، سوادآموزی) و ایجاد اشتغال و کارپایی و پرداخت سرمایه‌کار است. «کمیته امداد» نیز تأمین سرمایه‌های کار، اعطای وام‌های کسب و اشتغال (خودکفایی)، پرداخت وام‌های ضروری (قرض‌الحسنه)، ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و

کارپایی را در دستور کار خود قرار داده است. «شهرداری» نیز در کنار این دو نهاد اقداماتی را در جهت توانمندسازی این افراد انجام داده است، اما کماکان مشکلات جدی و البته قابل‌پیگیری نیز به چشم می‌خورد که زنان سرپرست خانوار با آن مواجه هستند.

نظری معتقد است که از نظر زنان سرپرست خانوار این نهادها و دستگاه‌های متولی خوبی نقش خود را ایفا نمی‌کنند. با توجه به اوضاع اقتصادی حاکم نیز مطالعات نشان می‌دهد، در حال حاضر تعداد زنان سرپرست خانوار نیازمند و فاقد ارتباط با نهادهای حمایتی روبه افزایش است. این گروه از زنان نمی‌دانند که متولی اصلی امور مربوط به خودشان چیست و کجاست. آنها راه حل مشکلات خود را حضور در کلاس‌های آموزشی نمی‌دانند و معتقدند در گام نخست، حمایت دستگاه‌ها جهت تأمین شغل برای آنها مهم و ضروری است نه برگزاری کلاس‌های آموزشی! به نظر می‌رسد توانمندساختن زنان خودسرپرست و یا سرپرست خانوار، باید یکی از دغدغه‌های برنامه‌ریزان باشد. اما درست در همین جا مشکل دیگری بروز می‌کند و این سؤال مطرح می‌شود که دستگاه‌های متولی کدام نهاد است؟ جزیره‌ای عمل کردن زنان سرپرست خانوار می‌دهد که به جای سرگردانی و پیچ و خم سازمان‌ها و گرفتار شدن در بازی‌های بوروکراتیک دولتی و کاغذبازی و عجز و ناله و طلب حمایت! «برو و به دستفروشی‌ات در مترو ادامه بده، برو در منازل مردم بدون هیچ احساس امنیتی کار کن!» شاید این اقدامات و تصمیمات فردی زنان سرپرست خانوار در نبود هیچ حمایت‌کننده‌ای در زندگی، آنها را به لحاظ اقتصادی زودتر به سرمنزل مقصود رهنمون کند تا امید به برنامه‌ریزی متولیان این نهادها.

اما نیاز است تا مسئولان، برنامه‌ریزان و متولیان حوزه مربوط به زنان سرپرست خانوار بدانند که زنگ خطر این سئوال مهم اجتماعی به صدا درآمده است. چنانچه برنامه‌ریزی جدی در ارتباط با این گروه بیش از ۳ میلیون نفری از سوی نهادهای دولتی و مجلس صورت نپذیرد، نه تنها سالانه بر تعداد جمعیت زنان سرپرست خانوار افزوده می‌شود، بلکه به واسطه پیری جمعیت که کشور ما در سال‌های نه چندان دور با آن مواجه خواهد شد، بحران دیگری به نام افزایش زنان سالمند سرپرست خانوار سدر در می‌آورد، یعنی گروهی از زنان سالمند که به منابع اقتصادی مناسبی دسترسی ندارند. لذا به نهادهای متولی از حیث قانونی توصیه می‌گردد که با مشکلات مهم، بیشتر اندیشه و عمل کنند.

معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهور در گفت‌وگو با «ایران» عنوان کرد

نروم فعالیت کلیه نهادها در یک طرح جامع

مسئله در برخی موارد دیگر هم دیده می‌شود که چند ارگان به صورت همزمان در خصوص یک مسئله ورود پیدا می‌کنند و موازی‌کاری پیش می‌آید. او در ادامه اضافه می‌کند: در عین حال یکسری ویژگی‌ها را کمیته امداد دارد و ویژگی‌های دیگری را سازمان بهزیستی داراست و افراد را با شرایط خاصی پذیرش می‌کند، به همین دلیل هم ممکن است مرزهای این دو یکدیگر تفاوت‌هایی داشته باشد اما همپوشانی هم دارند، به همین دلیل هم قرار است «پنجره واحد» ایجاد شود، البته مراحل مختلف کار انجام شده است. امیدواریم زودتر کارها را در این حوزه پیش ببریم. کمیته امداد معمولاً افرادی را تحت پوشش دارد که اغلب از اقشار محروم هستند و نظر فقردر شرایط ویژه‌ای هستند، این در حالی است که سازمان بهزیستی سعی می‌کند، بیشتر افرادی را تحت پوشش بگیرد که معلولیت‌ها یا بیماری‌های خاصی دارند، ولی صرفاً این گونه نیست و ممکن است افراد دیگری با شرایط متفاوت را هم تحت پوشش داشته باشد، باید سامانی در این حوزه ایجاد شود و ما به دنبال آن هستیم. خزعلی درباره‌ی نیاز به ساماندهی نهادها در حوزه زنان سرپرست خانوار توضیح می‌دهد: در ۴ حیطه طرح جامعی برای زنان سرپرست خانوار ارائه کرده‌ایم و همه نهادها باید این طرح فعالیت کنند.

چه باید کرد؟

رزایشت
فعال اجتماعی

پس از شناسایی هر مشکلی در حوزه‌های مختلف کشور، لازم است که توسط متخصصان و کارشناسان مرتبط، راهکارهای لازم هم ارائه شود تا دستگاه‌های مجری بتوانند با بهره‌مندی از نقشه راه‌های تخصصی شده معضلات را کم از میان بردارند. بخشی از این راهکارها در ذیل ارائه می‌شود:

- در حال حاضر شوروی امور زنان و خانواده زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی و معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، نقش سیاستگذار و سایر دستگاه‌ها نظیر ۱۳ سازمان زیر نظر وزارت کشور و سازمان بهزیستی در صفا اقدام و عمل قرار دارند. تعدد سازمان‌ها و دستگاه‌های متولی به منظور حمایت از زنان سرپرست خانوار، موجب شده است تا فعالیت‌های آنان همپوشانی داشته باشد، لذا برای رفع این مشکل نقش و وظیفه هر یک از دستگاه‌ها و سازمان‌ها بطور واضح از سوی دولت مشخص شود.
- ایجاد بانک جامع اطلاعات از زنان سرپرست خانوار در کل کشور به منظور ساماندهی دقیق‌تر آنان.
- رفع مشکلات اعتباری توسط این نهادها به منظور برطرف کردن نیازهای زنان سرپرست خانوار که جامعه هدف این دستگاه‌ها هستند؛ زنانی که باید زمان بسیار طولانی را سپری کنند تا بتوانند مورد حمایت دستگاه‌ها قرار گیرند. تخصیص اعتبار بیشتر و متناسب با تورم موجود یا تخصیص یارانه به منظور کمک معیشت زنان خودسرپرست یا بد سرپرست.
- رفع موانع موجود از سر راه دریافت خدمات تسهیلات بانکی، ضمن‌ها، یا اخذ وثیقه در بانک‌ها به منظور دریافت وام و یا اختصاص وام‌های کم بهره به زنان سرپرست خانوار آموزش‌های لازم به منظور کسب مهارت و خود اشتغالی و پیگیری امور زنان تا خودکفایی و مستقل شدن کامل.
- به جهت افزایش فشار روحی و روانی و البته کاری بر دوش زنان، شهرداری‌ها می‌توانند تسهیلاتی نظیر کلاس‌های ورزشی، خدمات مشاوره‌ای و کلینیک‌های مددکاری را بصورت کاملاً رایگان یا کمترین هزینه در اختیار زنان سرپرست خانوار قرار دهند.
- شناسایی و اولویت دادن به زنان سرپرست خانوار با آسیب‌پذیری بیشتر به منظور واگذاری تسهیلات مسکن و یا تسهیل شرایط واگذاری مسکن
- اختصاص بیمه تأمین اجتماعی برای ارائه خدمات درمانی به آنان
- حمایت از زنان سرپرست خانوار در طرح‌های مشاغل خانگی
- مونیتورینگ کردن اطلاعات و ارائه خدمات به زنان سرپرست خانوار از سوی دستگاه‌های متولی
- حمایت از زنان سرپرست خانوار در صورت دارا بودن فرزندان دانشجو، معلول، بی‌کار و یا دارای شهروهر از کار افتاده و بی‌کار
- طرح‌های تشویقی از جمله معافیت از مالیات صاحبان کار و حرف در صورت جذب و استخدام زنان سرپرست خانوار
- وادار کردن تمامی دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها به منظور اختصاص بخشی از بودجه‌ها جهت برنامه‌هایی که غیر ضرور هستند به امور مربوط به مشکلات زنان آسیب‌پذیر.
- در آخر ذکر این نکته ضروری و لازم است که متولیان مربوط به امور زنان سرپرست خانوار بدانند جهت کاهش دادن آسیب‌هایی که زنان سرپرست خانوار با آنها به طور عینی و جدی مواجه هستند، بسنند کردن به دایره کردن کلاس‌ها و یا دوره‌های مشاوره و آموزشی به تنهایی کافی نیست، بلکه برنامه‌های توانمند کردن زنان سرپرست خانوار یک فرایند است، یعنی جریان و با روندی است که از شناسایی زنان آسیب‌پذیر آغاز می‌شود، با ارائه آموزش‌های مهارتی به آنان ادامه و با حمایت‌های مالی و معنوی دستگاه‌های متولی خاتمه می‌یابد. این قشر از زنان در خانواده با مشکلات جدی مواجه هستند، آنان به جای مردان هم کار می‌کنند، در حالی که مسئولان و برنامه‌ریزان در حال برقراری نشست‌ها، نوشتن آیین‌نامه‌ها و مواد قانونی روی کاغذ برای زنان سرپرست خانوار هستند، آنان در میدان جامعه با مشکلات اقتصادی بطور جدی دست و پنجه نرم می‌کنند. زنان سرپرست خانوار در جامعه ما همان شیرزنانی هستند که برای ایفا و حفظ حریم و حرمت خانواده خود تا سرحد جان تلاش می‌کنند. قدرشان را بیشتر بدانیم.

سهم اندک زنان در عرصه کار نسبت به مردان، موجب می‌شود تا آنان به مشاغل سطح پایین دسترسی پیدا کنند

در حال حاضر

- تعداد زنان سرپرست خانوار نیازمند و فاقد ارتباط با نهاد های حمایتی رو به افزایش است. این گروه از زنان نمی دانند که متولی اصلی امور مربوط به خودشان چیست و کجاست. آنها راه حل مشکلات خود را حضور در کلاس های آموزشی نمی دانند و معتقدند در گام نخست، حمایت دستگاه های متولی این نهادها و سازمان بهزیستی به عنوان زیرمجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از این قشر جامعه هستند که در کنار فعالیت های خود نقش مهمی در جهت توانمندسازی زنان سرپرست خانوار دارند. علاوه بر این دو نهاد نامبرده، شهرداری نیز در سال های اخیر طرح هایی را برای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار مطرح کرده است. برنامه «بهزیستی» برای زنان سرپرست خانوار شامل پرداخت کمک هزینه آموزشی از قبیل فنی و حرفه ای، تحصیلی (محصّلین، دانشجویان، سوادآموزی) و ایجاد اشتغال و کارپایی و پرداخت سرمایه کار است. «کمیته امداد» نیز تأمین سرمایه های کار، اعطای وام های کسب و اشتغال (خودکفایی)، پرداخت وام های ضروری (قرض الحسنه)، ارائه آموزش های فنی و حرفه ای و

در ۴ حیطه طرح جامعی برای زنان سرپرست خانوار ارائه کرده ایم و همه نهادها باید در این طرح فعالیت کنند

